



عدالت اجتماعی و برنامه سوم توسعه

اگر توزیع درآمدها
یکسان باشد،
تفاوت میان
کارایی و توانایی افراد
چه می‌شود.
اگر ما از آن‌که
کارایی بیشتری دارد بگیریم
و به آن‌که
کارایی کمتری دارد بدهیم،
چه دلیلی دارد
که افراد توانا و کارا
به فعالیت خود
ادامه دهند.

چرا می‌گوییم هرچه توزیع درآمدها مناسب‌تر باشد و سطح درآمدها به یکدیگر نزدیکتر باشد سطح رفاه و عدالت اجتماعی بهتر است؟ چرا می‌گوییم اگر همه افراد جامعه دارای درآمد مساوی باشند رفاه و عدالت در آن جامعه بیشتر است؟ به عنوان مثال اگر به همه افراد جامعه غذای مساوی دادیم آیا عدالت برقرار نشده است؟ بدیهی است برخی افراد بیشتر و برخی کمتر غذا می‌خورند، در صورت توزیع مساوی غذا بین آنها، برخی افراد گرسنه می‌مانند و برخی غذای خود را دور خواهند ریخت. بنابراین عدالت که مورد نظر ما است اتفاق نخواهد افتاد.

اگر توزیع درآمدها یکسان باشد مسئله تفاوت بین کارایی و توانایی افراد چه می‌شود؟ اگر ما از آنکه توسعه منابع کارایی و توانایی بیشتری داشته و در حد ۱۰۰ است بگیریم و به آنکه توانایی و کارایی کمتری داشته و در حد یک است بدهیم چه دلیلی دارد که افراد توانا و کارا به فعالیت خود ادامه دهند؟ اگر سطح کارآمدی در جامعه‌ای کاهش یافت، میزان تولید در آن جامعه کمتر و جامعه فقیرتر می‌شود و بدیهی است فقیری که قصد کمک به او داریم نیز نسبت به گذشته فقیرتر شده است.

اگر درآمدها را به‌طور مساوی میان افراد جامعه تقسیم کنیم، شاخصهای اقتصادی نشان

۲- توزیع درآمد ۳- فقر
اگر ما این شاخصها را متریک نکنیم نمی‌توانیم سطحی را که در آن قرار داریم مشخص کنیم. البته شاخصهایی که عددی ارائه می‌شود، نمی‌تواند دقیقاً وضعیت اقتصادی و اجتماعی را مشخص کند. به عنوان مثال سطح رفاه را با میزان درآمد سرانه می‌سنجند. می‌گویند هر جامعه‌ای که درآمد سرانه بیشتری داشته باشد در سطح بالاتری از رفاه قرار دارد. آیا بالاترین میانگین درآمد سرانه به تنهایی می‌تواند نشانه تحقق عدالت اجتماعی در یک جامعه باشد؟ چهار کشور امریکا، کویت، امارات متحده عربی و سوئیس دارای بالاترین سطح درآمد سرانه در جهان هستند، آیا سطح رفاه و عدالت اجتماعی در هر چهار کشور یکسان است؟

درآمد سرانه یک میانگین است. به عنوان مثال عدد ۵۰ میانگین بین صفر و ۱۰۰ است. بنابراین در جامعه‌ای که میانگین درآمد سرانه در آن ۵۰ دلار است افرادی وجود دارند که درآمد سرانه آنها بسیار پایین و در حد صفر است. میانگین درآمد سرانه در این جوامع نشانگر وضعیت دقیق آنها نیست. اگر گروههای درآمدی و میزان درآمدها را طبقه‌بندی کنیم بهتر می‌توانیم سطح رفاه را اندازه‌گیری کنیم. برای اندازه‌گیری یا توزیع درآمدها می‌توان از ضریب جینی یا ضریب دالتون و دیگر ضریبها استفاده کرد که پراکنندگی موضعی درآمدها را نشان می‌دهند.

موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی رشته سخنرانیهای را با هدف طرح مفاهیم و مباحث مربوط به رفاه اجتماعی و آشنایی با دیدگاههای مراجع بین‌المللی و شیوه‌های رایج در کشورهای گوناگون با حضور و سخنرانی صاحب‌نظران برگزار کرد. یکی از سخنرانان این مجموعه دکتر جمشید پژویان مدیر گروه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی بود. آنچه در پی می‌آید چکیده سخنان این صاحب‌نظر است که ماه گذشته در زمینه عدالت اجتماعی و برنامه سوم توسعه ایراد کرد.

به گزارش خبرنگار تدبیر آقبای پژویان در بخشی از سخنانش گفت: عدالت اجتماعی شعاری است که از زمان شروع زندگی بشر در جوامع دمکراتیک توسط حکمرانان این جوامع مطرح شد. آیا عدالت اجتماعی یک مقوله دستوری است و یا مقوله‌ای است که باید اتفاق بیفتد؟ مشخص نیست که مقصود از شعار ارتقاء عدالت اجتماعی چیست و شاخص آن چیست. در تمام برنامه‌های تدوین شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مورد عدالت اجتماعی بحث شده است ولی چه شاخصی برای اندازه‌گیری آن و تحقق اجرای آن وجود دارد؟

از طریق سه گروه شاخصها می‌توانیم عدالت اجتماعی را اندازه‌گیری کنیم. این سه شاخص عبارتند از: ۱- رفاه اقتصادی و اجتماعی

که سطح رفاه و عدالت اجتماعی ارتقا یابد. بنابراین نظام تخصیصی منابع و برنامه‌ریزی برای آن اهمیت می‌یابد. از آنجا که میزان منابع در کشورمان کم است باید در توزیع آن دقت کنیم.

برای رشد یا توسعه اقتصادی باید مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی تغییر یابند. این تغییرات می‌تواند باعث ایجاد ناهنجاری در جامعه شود. این تغییرات می‌تواند گروهی را به شدت فقیر و یا به شدت ثروتمند کند. اینها چیزهایی است که سیاستمداران محافظه‌کار را به شدت نگران می‌کند، به محض اینکه بحث توسعه بازار مطرح می‌شود آنان بحث ایجاد ثروتهای بادآورده را مطرح می‌کنند و بدین ترتیب مانع اجرای سیاستهای توسعه بازار می‌شوند.

اگر ما می‌خواهیم سیاستی را اجرا کنیم باید آن سیاست شفاف و روشن باشد و در همه مراحل از آن حمایت کنیم. نباید سیاستهای ما با یکدیگر متضاد باشد. به عنوان مثال بگویم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در امور تولیدی تشویق می‌شود، ولی در عمل بر سر راه آن مانع ایجاد کنیم.

نظام تامین اجتماعی به مانند دالانی است که سیاستها درون آن با اطمینان اجرا می‌شود. نظام تامین اجتماعی و عدالت اجتماعی نمی‌تواند جدا از سیاستهای اقتصادی باشد. بنابراین تخصیص منابع، نظام تامین اجتماعی و اجرای سیاستهای اقتصادی باید با یکدیگر هماهنگ و توأم باشد.

برنامه پنجساله سوم توسعه، یک تحول در نظام برنامه‌ریزی کشور محسوب می‌شود. برنامه‌های قبلی ویژگی برنامه را نداشت. یک برنامه‌ریزی متمرکز در نظام اقتصادی متمرکز امکان‌پذیر است. یک نظام اقتصادی مبتنی بر بازار باید یک نظام برنامه‌ریزی پویا و استراتژیک و کنترلی داشته باشد که برنامه سوم نسبتاً از این ویژگیها برخوردار است. البته این برنامه دارای ایراداتی نیز است از جمله ایراداتی در بخش مربوط به نظام تامین اجتماعی و نظام مالیاتی آن وجود دارد. در برنامه سوم از «نظام بیمه‌ای مکمل» نام برده شده است. اگر نظام بیمه‌ای فعلی کامل نیست و باید از مکمل استفاده نمود نیازی به این نیست که در برنامه به آن قید کنیم بلکه باید فرهنگ استفاده از بیمه و یا مکمل آن را در جامعه ترویج کنیم. در این برنامه از تخصیص منابع برای حمایت از تامین اجتماعی نام برده نشده است. □

گزارش از: محمدصادق بزیان

نمی‌گیرد و بدین ترتیب فقر در این جوامع گسترش می‌یابد. البته بحثی که اینجا مطرح است بحث فقر مطلق است نه فقر نسبی. فقر نسبی یعنی اینکه نسبت به گذشته سطح درآمد افراد کاهش یافته باشد و فقر مطلق یعنی اینکه فردی حداقل مواد لازم در سبد غذایی برای سیر شدن را در اختیار نداشته باشد. وجود چنین افرادی در جامعه که فقر به شدت آنها را تهدید می‌کند باعث می‌شود که کل جامعه از جانب آنها مورد تهدید قرار گیرد. در حال حاضر در جامعه ما حدود ۲۰٪ از کل افراد جامعه زیرخط فقر قرار دارند که برنامه سوم توسعه باید سعی در کاهش آن داشته باشد. اگر در ابتدای برنامه شاخصهای سطح درآمد، بهداشت، آموزش، نحوه دسترسی به اعتبارات، فقر به صورت متریک مشخص شود، در پایان برنامه می‌توانیم بگویم که چه تحولی در آنها صورت گرفته و اینکه سطح رفاه در جامعه افزایش یا کاهش یافته است.

نظام تامین اجتماعی و عدالت اجتماعی
سخنران در ادامه سخنان خود نقش نظام تامین اجتماعی را در ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه بیان کرد. وی گفت: آیا ما از نظام تامین اجتماعی انتظار داریم که به تنهایی عدالت اجتماعی را در جامعه تامین کند. بدون شک این نظام به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. سازمانها و سیستم‌های دیگری نیز مسئول انجام این کار هستند مانند سیستم مالیاتی یا آموزشی و با سازمانهای بهداشتی و درمانی. بخشی از وظیفه ارتقا رفاه و عدالت اجتماعی در جامعه به عهده نظام جامع عدالت اجتماعی است. اکنون این سوال مطرح است که یک نظام جامع تامین اجتماعی و نظام بیمه‌ای تامین اجتماعی تا چه حد می‌تواند در ارتقا عدالت اجتماعی نقش داشته باشد.

در اینجا «منابع» نقش مهمی دارند و از جمله این منابع می‌توان به نیروی انسانی اشاره کرد. بخش عمومی معمولاً منابع را از بخش خصوصی دریافت و پس از تبدیل آنها به کالا و خدمات، آنها را به جامعه ارائه می‌کند، ولی نظام تامین اجتماعی، وظیفه جایجایی و انتقال منابع را به عهده دارد. بنابراین میزان «منابع» در اینجا خیلی مهم است. تامین اجتماعی خودش منابع را ایجاد نمی‌کند بلکه سیستمی است که منابع را جایجا می‌کند. اگر سیستم مناسب تامین اجتماعی داشته باشیم ولی منابع به اندازه کافی در اختیار نداشته باشیم، نمی‌توان انتظار داشت

می‌دهد که میانگین سطح درآمد سرانه در اینگونه جوامع پایین می‌آید. بنابراین مساوی کردن درآمدها که به منظور برقراری عدالت انجام شده است باعث پایین آمدن سطح رفاه و فقیرتر شدن جامعه می‌شود. این امر همچنین باعث کاهش انگیزه کارکردن در بین افراد جامعه می‌شود.

برای بالا رفتن سطح رفاه و ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه باید زمینه‌های بالا رفتن درآمد را ایجاد کنیم. باید سعی کنیم استعدادهای بالقوه را شناسایی کنیم و پرورش دهیم و کارایی افراد را بالاتر ببریم. بدین ترتیب سطح تولید در جامعه بالاتر رفته و افراد از طریق تولیدی که می‌کنند کسب درآمد کرده و درآمدها به یکدیگر نزدیک می‌شود ضمن اینکه سطح رفاه در جامعه افزایش می‌یابد.

از جمله زمینه‌های لازم برای افزایش سطح درآمد و بالا رفتن رفاه در جامعه، آموزش و بهداشت می‌باشد. باید منابع انسانی توسعه یابد. باید با افزایش سطح آموزش و بهداشت در جامعه، منابع انسانی را توسعه دهیم. باید کارآفرینی افراد را افزایش دهیم تا در سیستم تولید جامعه نقش داشته باشند. اگر توان کارآفرینی در فردی وجود دارد باید سرمایه لازم در اختیار او قرار گیرد تا از طریق تولید، سطح درآمدش به اندازه فردی شود که کارآفرین نبوده ولی به دلیل داشتن سرمایه، سطح درآمدش افزایش یافته است.

فعالیهایی که اکنون در جامعه ما در جهت توزیع عادلانه‌تر درآمد صورت می‌گیرد فعالیتهای روینمایی است. زیرساختهای لازم جهت توزیع عادلانه‌تر درآمد باید در جامعه ما ایجاد شود و تا این زیرساختها ایجاد نشده باشد نمی‌توان انتظار داشت که سطح درآمد و رفاه عمومی افزایش یابد.

دکتر پژویان در زمینه فقر نیز گفت: اگر در جامعه‌ای گروهی از افراد زیرخط فقر قرار داشته باشند، این برای آن جامعه ننگ است. در جوامع قدیمی روستایی و قبیله‌ای، سنگ فقر متوجه رئیس قبیله یا کدخدا بود و او سعی می‌کرد که فقیری در جامعه زیر نظر او وجود نداشته باشد، ولی در جوامع جدید دیگر آن روابط گذشته وجود ندارد. روابط صنعتی که در نتیجه فعالیتهای صنعتی در جوامع جدید بوجود آمده جای روابط گذشته را گرفته است. در اینگونه جوامع جدید حمایت‌هایی که در جهت از بین بردن فقر در جوامع گذشته انجام می‌شد، دیگر صورت